

مطالعه تطبیقی شرایط و قلمرو نقل از اثر دیگری (با تأکید بر حقوق ایران و فرانسه)

حبیبه قاسمی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد

سید محمد مهدی قبولی درافشان*

دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

سعید محسنی

دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۶/۲۰)

چکیده

حمایت از حقوق مادی پدیدآورنده اثر ادبی و هنری اقتضا می‌کند که هرگونه بهره‌برداری از اثر بدون کسب رضایت وی امکان‌پذیر نباشد. با این حال برای برقراری تعادل میان حقوق انحصاری پدیدآورنده و مصالح عمومی جامعه، برخی استفاده‌ها در قالب «استثنا» مجاز است. یکی از این استثنای اخیر و شرایط آن با تأکید بر حقوق ایران و فرانسه پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که جواز نقل از اثر دیگری در حقوق فرانسه و ایران به رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده وابسته است. البته برای کمیت نقل نیز ضوابطی مقرر شده است. به علاوه هرچند در حقوق فرانسه و ایران جواز نقل به نوع خاصی از آثار ادبی و هنری مقید نشده، ولی تحقق شرایط لازم برای استفاده از استثنای یادشده در خصوص آثار ادبی و علمی فراهم‌تر است.

واژگان کلیدی

آثار ادبی و هنری، استثنای حق مؤلف، حقوق ایران، حقوق فرانسه، نقل از اثر دیگری.

۱. مقدمه

در نظام‌های حقوقی مختلف برای پدیدآورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اثری که خلق می‌کند، به‌طور معمول دو دسته حقوق معنوی و مادی پیش‌بینی شده است. حقوق معنوی ناظر به امتیازهای غیرمالی است که برای حمایت از شخصیت پدیدآورنده پیش‌بینی می‌شود. حق افشای اثر، حق حرمت اثر و حق حرمت نام و عنوان^۱ پدیدآورنده، از جمله حقوق معنوی مربوط به پدیدآورنده است.^۲ به‌موجب حقوق مادی، پدیدآورنده دارای حق انحصاری هرگونه بهره‌برداری مالی از اثر خود است. نتیجه طبیعی حمایت از حقوق مادی پدیدآورنده، آن است که استفاده از اثر بدون کسب رضایت وی ممنوع بوده، موجب نقض حق وی می‌شود. باین‌همه، توجه به مصالح عمومی جامعه و مصالح فردی اشخاصی که در جامعه زندگی می‌کنند، از سوی قانون‌گذاران عرصه ادبی و هنری مغفول نمانده و به‌طور معمول با توجه به مصالح یادشده برای تأمین گسترش علم و دانش، دسترسی آزاد به اطلاعات و مانند آن، کم‌وبیش استثناهایی در نظام‌های حقوقی مختلف پیش‌بینی شده است. حقوق ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست.

یکی از استثناهای مهمی که در حقوق ایران (ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۱ دی ۱۳۴۸) و فرانسه (ماده L122-5 قانون مالکیت فکری مصوب ۱۹۹۲م و اصلاحی ۷ ژوئیه ۲۰۱۶) تصریح شده، نقل از اثر دیگری^۳ است. هرچند در این نظام‌ها، تعریف قانونی از نقل ارائه نشده، ولی در نظر برخی (کُرنو و همکاران، ۱۳۹۰، ص: ۶۹؛ همچنین ر.ک. حبیبی و شاکری، ۱۳۹۴، ص: ۶۱)، نقل، وام‌گیری از اثر فکری افشاشده دانسته شده است که با اهداف انتقادی، تفسیری، آموزشی، علمی یا اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد.

استفاده از اثر دیگری به صورت نقل، هم برای اثر استنادی و هم برای اثری که در آن نقل صورت گرفته (اثر ثانوی) دارای مزیت است. شاید تصور شود که استفاده از اثر دیگری باعث کاهش مراجعه به اثر اصلی شده، موجب آسیب به آن می‌شود. ولی باید توجه کرد که چنانچه شرایط و حدود نقل رعایت شود، نه‌تنها آسیبی به اثر وارد نمی‌شود، سبب معرفی بیشتر اثر و افزایش شهرت آن نیز می‌گردد. برای نمونه در حوزه علوم دانشگاهی، یکی از موارد سنجش اعتبار علمی استادان، تعداد ارجاعاتی است که به تألیفات آن‌ها در سایر مقالات داده می‌شود. در خصوص اثر ثانوی نیز هرچه از آثار بیشتری استفاده شود، افزون بر اینکه بیانگر جامعیت

۱. برای ملاحظه اینکه حق بر عنوان به صورت یکی از حقوق معنوی قابل حمایت است و استدلال ناظر بر آن، ر.ک. محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۴، ص: ۱۸۳-۱۸۲.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. صفایی، صادقی و محسنی، ۱۳۸۵، ص: ۷۹-۹۵.

3. Citation (Quotation)

نگاه پدیدآورنده است، ارزش و اعتبار اثر را بیشتر می‌کند. در واقع یک اثر، به‌ویژه اثر نوشتاری، زمانی معتبر تلقی می‌شود که در خلق آن به سایر آثار موجود در موضوع مربوط نیز توجه شود. در این راستا پدیدآورنده باید از افکار و اندیشه دیگران اطلاع داشته باشد و در صورت لزوم به آن‌ها استناد کند (امامی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۴-۲۱۳). علاوه بر مبانی اجتماعی پیش‌گفته، آن‌گونه که برخی از حقوق‌دانان (حبیبی و شاکری، ۱۳۹۱، ص ۴۲-۴۱) بیان داشته‌اند، مبانی حقوق بشری، از جمله اصل آزادی بیان و اصل آزادی دسترسی به اطلاعات نیز می‌تواند توجیه‌گر استثنای نقل از اثر دیگری باشد^۱.

باتوجه به ملاحظات پیش‌گفته و نیز اینکه تحصیل اجازه پدیدآورنده اثر استنادی در عمل دشواری‌هایی دارد، استثنای پیش‌بینی شده منطقی می‌نماید. ولی از آنجا که جواز نقل از اثر دیگری بدون إذن پدیدآورنده یا اشخاص ذی‌صلاح، امری استثنایی است و نیز احتمال دارد متجاوزان به حقوق ادبی و هنری اقدام تجاوزکارانه خود را به بهانه نقل مجاز از اثر دیگری توجیه نمایند، تبیین مرز دقیق استثنای یادشده و تمیز آن از نقل غیرمجاز، ضروری است. گفتنی است در تعیین استثنای وارد بر حقوق پدیدآورندگان آثار و قلمرو آن، افزون بر منطق حقوق حاکم بر کشورها، معیارها و ضوابط بین‌المللی یا عامی وجود دارد که تحت لوای آن استثنا و قلمرو آن بررسی می‌شود و استثنای نقل از اثر دیگری نیز از آن مستثنا نیست. در این راستا دو معیار مهم مطرح است. یکی از این معیارها آزمون سه‌گام است که در بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون برن تصریح شده است. موافقت‌نامه تریپس نیز در ماده ۱۳ خود آزمون سه‌گام را شناسایی کرده است؛ البته با این تفاوت که در کنوانسیون برن آزمون سه‌گام تنها نسبت به استثنای حق تکثیر اعمال می‌شود، ولی موافقت‌نامه تریپس شرط اعمال آزمون را به دیگر حقوق انحصاری تحت پوشش معاهده تسری داده است (Knights, 2001, p. 2-3). در مسئله مورد بررسی (نقل از اثر دیگری) نیز همچون سایر استثنایا باید به این معیار بین‌المللی توجه شود. بر اساس آزمون سه‌گام، سه شرط برای پیش‌بینی استثنا نسبت به حقوق پدیدآورندگان لازم است. اول اینکه استثنا باید شامل برخی موارد خاص باشد؛ یعنی استثنا تنها در مواردی قابل شناسایی است که کلی و عام نباشد و بتوان آن را با دلایل موجهی همچون نظم عمومی توجیه نمود (میرحسینی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰؛ همچنین ر.ک. حبیبی و شاکری، ۱۳۹۲، ص ۲۱۴-۲۱۵؛ Knights, 2001, p. 4). دوم، استثنا نباید به‌گونه‌ای تعیین شود که با بهره‌برداری عادی دارنده حق از اثر در تضاد قرار گیرد؛ برای نمونه بهره‌برداری از اثر که بر اساس استثنا توجیه شده است، نباید موجب رقابت اقتصادی با پدیدآورنده گردد (میرحسینی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰؛ Dufield & Suthersane, 2008, p.

۱. برای ملاحظه تفصیلی مبانی استثنای حقوق مالی پدیدآورنده، ر.ک. حبیبی و شاکری، ۱۳۹۴، ص ۴۴-۳۷.

95. در خصوص اینکه آیا استثنا با بهره‌برداری از اثر تعارض دارد یا خیر، باید خسارات بالقوه ناشی از استثنا را مد نظر قرار داد (Knights, 2001, p. 5). سوم، به منافع مشروع پدیدآورنده آسیب غیرمعقول وارد نسازد. در واقع هر استفاده‌ای از اثر ممکن است به نحوی به منافع مشروع پدیدآورنده آسیب وارد کند، ولی زمانی این استفاده نقض حق است که موجب آسیب غیرمعقول به حقوق دارنده حق شود (شاکری، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲؛ حبیبی و شاکری، ۱۳۹۲، ص ۲۱۸). گفتنی است هر سه رکن آزمون باید هم‌زمان وجود داشته باشد (Dutfield & Suthersanen, 2008, p. 95). در قسمت پایانی ماده L122-5 قانون مالکیت فکری فرانسه نیز مقرر شده است که «استثنای شماره شمرده در این ماده، نمی‌تواند به بهره‌برداری معمول از اثر آسیب وارد نموده، موجب ضرر غیرموجه به منافع مشروع پدیدآورنده شوند». این مقرر به گونه‌ای در بردارنده دو گام اخیر از آزمون سه‌گام است که باید در تحلیل حقوق فرانسه به آن توجه شود و نتایج حاصل از آن در حقوق فرانسه پذیرفتنی است.

افزون بر معیار آزمون سه‌گام، به معیار استفاده منصفانه نیز در برخی از نظام‌های حقوقی توجه شده است. بر اساس این معیار، می‌توان «از حق انحصاری صاحب اثر در جهت معقول و متعارف استفاده نمود؛ بدون اینکه کسب اجازه از صاحب اثر ضروری باشد و می‌توان به‌عنوان دفاع در برابر ادعای نقض حق به آن استناد کرد» (Graner, 1999, p. 639). استفاده منصفانه استثنایی کلی بر حقوق انحصاری دارندگان حق است. این اصطلاح در قانون حقوق مالکیت ادبی و هنری انگلیس مصوب ۱۹۱۱م و قانون حقوق ادبی و هنری امریکا مصوب ۱۹۷۶م آمده است. قبل از آن نیز در رویه قضایی این کشور، هنگام ارزیابی مجاز بودن استفاده، به آن استناد شده است (شاکری، ۱۳۹۴، ص ۲۱۰-۲۰۹؛ Courant Rife, 2007, p. 170). استفاده منصفانه در بردارنده عناصری است. بر اساس ماده ۱۰۷ قانون حقوق ادبی و هنری امریکا، استفاده منصفانه نیازمند تحقق چهار عنصر است: توجه به هدف و ویژگی استفاده، ماهیت اثر، میزان و ماهیت بخش استفاده‌شده در برابر کل اثر و در نهایت تأثیر استفاده بر بازار بالقوه اثر یا ارزش اثر. طبیعی است برای تبیین هر استثنایی از جمله نقل از اثر دیگری - که موضوع خاص این پژوهش است - توجه به معیارهای یادشده نیز مهم است.

این پژوهش در صدد است با روش توصیفی - تحلیلی، به مطالعه تطبیقی مسئله نقل از اثر دیگری با تأکید بر حقوق فرانسه پرداخته، وضع موجود حقوق ایران درباره موضوع را تبیین نماید. البته در خصوص استثنای حقوق پدیدآورنده، پژوهش‌های ارزنده‌ای در قالب کتاب (حبیبی و شاکری، ۱۳۹۴) و مقاله (ایمانی، ۱۳۸۲؛ حبیبی و شاکری، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲؛ شاکری، ۱۳۹۴) صورت گرفته که در موارد مقتضی به آن توجه شده است. ولی تمایز پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های یادشده

در این است که به‌طور ویژه درباره استثنای نقل از اثر دیگری تدوین یافته و به‌علاوه این پژوهش به روش تطبیقی با تأکید بر حقوق فرانسه صورت گرفته است. بدیهی است، مطالعه تطبیقی موضوع می‌تواند افزون بر تبیین خلأهای حقوق ایران، زمینه‌ساز استفاده از تجارب دیگر نظام‌های حقوقی و ارائه پیشنهادهاى اصلاحی در حقوق ایران باشد. برای بررسی این موضوع باید گفت تجویز نقل از اثر دیگری ناظر به حقوق مادی پدیدآورنده بوده، مجوزی برای نقض حقوق معنوی پدیدآورنده نیست. لزوم احترام به حقوق معنوی پدیدآورنده مقتضی وجود شرایطی برای نقل از اثر دیگری است (شماره ۲). دیگر اینکه نقل مجاز دارای قلمرو و محدوده‌ای است که شایسته بررسی است (شماره ۳).

۲. شرایط ناشی از لزوم رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده

برخی از حقوق معنوی پدیدآورنده در داشتن یا نداشتن جواز نقل از اثر وی تأثیر دارد. در این میان از سویی، حق پدیدآورنده مبنی بر ولایت بر اثر، مقتضی ذکر نام پدیدآورنده و منبع مورد استناد است. از سوی دیگر، نقل از اثر دیگری به رعایت حق حرمت اثر وابسته است؛ به‌علاوه نقل از اثر دیگری مستلزم رعایت حق پدیدآورنده در خصوص افشای اثر است.

۲.۱. لزوم رعایت حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده^۱

یکی از حقوق معنوی پدیدآورنده، حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده و به تعبیری، حق انتساب اثر به پدیدآورنده است. از این حق در حقوق فرانسه با عنوان حق ولایت بر اثر (حق سرپرستی)^۲ نیز یاد می‌شود (Pollaud-Dulian, 2005, n° 628 ; Desbois, 1966, n° 413 s., p.560 s.; s., p. 415 s., صفایی، ۱۳۸۶، ص ۸۵ زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴). به همین دلیل در نوشته‌های حقوقی فرانسه، رابطه میان پدیدآورنده و آثارش همانند رابطه شخص و فرزندش دانسته شده است (cf. Pollaud-Dulian, 2005, n° 628, p. 415). به‌موجب این حق از سویی، پدیدآورنده می‌تواند اثر را با نام اصلی خود منتشر کند و از سوی دیگر، هیچ شخصی حق ندارد اثر دیگری را به خویش منتسب نماید.

حق ولایت بر اثر اقتضا می‌کند که هنگام نقل از اثر دیگری، منبع و نام مؤلف اثر اخیر بیان شود تا از ایجاد تصور انتساب مطلب به شخص دیگر جلوگیری گردد (کلمه، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲). در این راستا، بند سه ماده ۵-۱۲۲ قانون مالکیت فکری فرانسه در مقام بیان نقل مجاز، نقل از اثر دیگری را مشروط به این ساخته که نام پدیدآورنده و عنوان اثر به‌روشنی بیان شود. حتی

1. Le droit au respect du nom et de sa qualité.

2. Le droit à la paternité.

همان‌گونه که برخی (Pollaud-Dulian, 2005, p. 509) گفته‌اند، چنانچه اثری که از آن نقل صورت می‌گیرد، اثر ترجمه‌ای باشد، ذکر نام مترجم نیز ضروری است. همچنین در خصوص رعایت حق ولایت پدیدآورنده اثری که از آن نقل صورت گرفته و برای جلوگیری از انتساب ناصواب، برخی حقوق‌دانان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p. 509) معتقدند که عبارات نقل‌شده باید متمایز از سایر قسمت‌های اثری باشد که در آن نقل صورت می‌گیرد. قانون‌گذار فرانسه در خصوص شیوه ارجاع و انتساب قسمت نقل‌شده به منبع اصلی و پدیدآورنده آن، سکوت کرده است. با این‌همه، دکترین حقوقی فرانسه و رویه قضایی در مواردی به شیوه ارجاع نیز پرداخته‌اند. برای نمونه، به اعتقاد برخی از استادان حقوق فرانسه (Lucas, 2001, p. 283-284)، در مقام ارجاع باید نام پدیدآورنده، ناشر، تاریخ و نوبت چاپ بیان گردد. بر اساس رویه قضایی نیز ارجاع کلی به اثر اصلی در پایان اثری که نقل در آن صورت می‌گیرد، کافی نیست. البته در آثار شنیداری-دیداری ذکر منبع در قسمت تیتراژ کافی است (Lucas, 2001, p. 284).

از منظر آزمون سه‌گام نیز رعایت منافع معنوی پدیدآورنده الزامی است، زیرا بر اساس گام سوم، استثنا نباید موجب آسیب غیرمعقول به منافع پدیدآورنده شود و در این میان باید به هر دو دسته منافع مادی و معنوی توجه داشت. بنابراین از آنجا که رعایت نکردن حق بر نام پدیدآورنده اثر، موجب لطمه غیرمعقول به منافع معنوی اوست، در نقل از اثر دیگری باید حق معنوی یادشده رعایت شود. البته از دیدگاه عناصر چهارگانه که برای تحقق استفاده منصفانه در ماده ۱۰۷ قانون حقوق ادبی و هنری امریکا از آن یاد شده، توجهی به حقوق معنوی نشده است.^۱ بنابراین لزوم رعایت حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده در ارزیابی معیار استفاده منصفانه به‌راحتی قابل استنباط نیست.

در حقوق ایران ذکر مأخذ ضروری است. به‌موجب ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، «نقل از اثرهایی که انتشار یافته است... با ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است». ماده یک قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ش نیز در تمام موارد استفاده از آثار ترجمه‌ای، ذکر نام مترجم را الزامی دانسته است. ماده ۲۵ لایحه حمایت از مالکیت فکری مصوب ۲ مهر ۱۳۹۳ هیئت وزیران جمهوری اسلامی ایران نیز در نقل از اثر دیگری، ذکر مأخذ و نام پدیدآورنده را لازم دانسته است.

گفتنی است، اگر نام مؤلف و عنوان منبع اثر مشخص نباشد، جستجوی آن برای ذکر در اثر ثانویه لازم نیست. به این مسئله در کنوانسیون برن تصریح شده است. برابر بند ۳ ماده ۱۰

۱. در تأیید این نظر، ر.ک. حبیبی و شاکری، ۱۳۹۲، ص ۲۲۰ و ۲۳۲.

کنونسیون برن، درجایی که از اثری استفاده می‌شود، لزوم ذکر منبع و نام پدیدآورنده ناظر به فرضی است که موارد یادشده در اثر استنادی آمده باشد. این استثنا از برخی قوانین ملی نیز قابل استنباط است. برای نمونه به موجب ماده ۲۹/۱ قانون حقوق ادبی و هنری کانادا، «رفتار منصفانه برای نقد یا اصلاح، نقض حقوق مؤلف محسوب نمی‌شود؛ مشروط بر اینکه منبع و نام پدیدآورنده آن (البته در صورت قید شدن در منبع یادشده) ذکر شده باشد» (McKeown, 2010, p. 293). از مفهوم مخالف قسمت اخیر این ماده استنباط می‌شود، چنانچه منبع ارجاعی دارای نام پدیدآورنده اثر نباشد، در نقل از اثر دیگری، ذکر نام پدیدآورنده لازم نیست.

پذیرش استثنای یادشده منطقی است؛ به همین دلیل در حقوق ایران نیز برخی حقوق‌دانان (شیری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳۱) پیشنهاد کرده‌اند که تکلیف ذکر نام پدیدآورنده در نقل از اثر وی منوط به موردی باشد که ذکر نام وی ممکن است. ماده ۲۵ لایحه حمایت از مالکیت فکری نیز به این استثنا توجه داشته و «ذکر نام پدیدآورنده به جز در آثار بی‌نام» را لازم دانسته است. به نظر می‌رسد مقید نمودن لزوم ذکر نام پدیدآورنده به قید «در صورت امکان» در مقایسه با تعبیر یادشده در ماده ۲۵ لایحه که ذکر نام پدیدآورنده را جز در آثار بی‌نام لازم دانسته، از نظر ملاحظات عملی و فنی مناسب‌تر است؛ زیرا در مواردی که اثری پدیدآورندگان فراوان دارد، ممکن است بسته به مورد، ذکر نام همه آن‌ها مشکلاتی را به دنبال داشته باشد. همچنین ممکن است گاهی الزامات فنی مانع نقل نام پدیدآورنده شود.

افزون بر استثنای یادشده، قانون‌گذار ایران طبق حکمی قابل انتقاد در تبصره ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ش، از استثنای دیگری سخن گفته است. به موجب تبصره پیش‌گفته، «ذکر مأخذ در مورد جزوه‌هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی توسط معلمان آن‌ها تهیه و تکثیر می‌شود الزامی نیست، مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد». در واقع بر اساس این تبصره، چنانچه معلمی جزوه‌ای را فراهم کرده و در تهیه آن از کتاب‌ها و مقالات دیگران استفاده نموده باشد، می‌تواند عناوین منابع و نام مؤلفان آن‌ها را ذکر نکند؛ مشروط بر اینکه در تهیه جزوه خود، به دنبال کسب منافع مادی نباشد. در این صورت، این عمل نقض حق پدیدآورنده اثر اصلی نخواهد بود. توجیه مقرر یادشده، مسامحه قانون‌گذار برای جلوگیری از بروز مشکل برای معلمان و دانش‌پژوهان است (امامی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۵). در مقام نقد این نظر باید گفت، هرچند توجه به تعلیم و پژوهش و ایجاد زمینه رشد و بالندگی آن امری مطلوب است، ولی در موضوع مورد بحث، تکلیف به ذکر نام پدیدآورنده و عنوان اثر اصلی، تأثیری منفی بر این دغدغه ندارد. در حقوق فرانسه نیز تمام استثنای یادشده در بند سه ماده ۵-۱۲۲L، به ذکر صریح نام پدیدآورنده و منبع وابسته است.

در حال با توجه به اینکه حکم تبصره پیش‌گفته استثنایی است، باید تفسیر مضیق شود. بنابراین از یک طرف، حکم یادشده تنها شامل جزوهای درسی است که از سوی خود مدرس تهیه شده، در مؤسسات آموزشی استفاده می‌شود و قابل تسری به کتاب‌ها نبوده و نیز جزوهای تهیه‌شده از سوی اشخاصی غیر از مدرس و نیز مؤسسات غیرآموزشی از شمول استثنا خارج است. از طرف دیگر، همان‌گونه که برخی (امامی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۴) بیان داشته‌اند، عمل معلمی که بخشی از یک کتاب را تکثیر کرده، آن را به عنوان جزوه خود در اختیار دانش‌آموزان یا دانشجویان خود قرار می‌دهد بدون اینکه نام مؤلف و عنوان منبع آن را درج کند، مشمول حکم تبصره نمی‌شود. در واقع باید گفت با توجه به اینکه عمل یادشده نقل از اثر دیگری نیست، به‌طور تخصصی از شمول تبصره ماده ۷ خارج است. به‌علاوه استثنای یادشده در تبصره ماده ۷ منصرف از آثار ترجمه‌ای است. توضیح اینکه به‌موجب ماده یک قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، «... ذکر نام مترجم در تمام موارد استفاده الزامی است». باتوجه به لفظ عام «تمام موارد»، ذکر نام مترجم در خصوص جزوه‌هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی از سوی معلمان آن‌ها تهیه و تکثیر می‌شود نیز الزامی است. البته گفتنی است، برخی (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷؛ زرکلام، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵) تفسیر دیگری از تبصره ماده ۷ ارائه کرده‌اند. به اعتقاد ایشان، تبصره در صدد بیان این است که چنانچه فردی بخواهد از جزوه‌های درسی استفاده و آن را نقل نماید، نیازی به ذکر منبع و نام مؤلف آن ندارد. با توجه به این تفسیر، نویسنده یادشده در مقام نقد تبصره معتقد است که جزوه‌های درسی نیز در صورت برخورداری از اصالت باید حمایت شوند؛ درحالی که این تبصره راه را برای سرقت ادبی اثر باز می‌کند و موجب از بین رفتن حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان این‌گونه آثار می‌شود. استنباط پیش‌گفته با ظاهر تبصره سازگار نیست. در واقع مطابق تبصره یادشده، صرفاً معلمان مؤسسات آموزشی در مقام تهیه جزوه می‌توانند از سایر آثار استفاده کنند؛ بدون اینکه نیازی به ذکر نام مؤلف و عنوان منبع اثر ارجاعی باشد. بنابراین سایر اشخاص از این استثنا خارج‌اند. اگر شخصی نیز بخواهد از جزوه‌های درسی استفاده کند، طبق قاعده کلی باید نام مؤلف و عنوان منبع را ذکر کند؛ در غیر این صورت مرتکب نقض حق پدیدآورنده می‌شود.

۲.۲. لزوم رعایت حق حرمت اثر^۱

از دیگر حقوق معنوی پدیدآورنده حق حرمت اثر است. بر اساس این حق، هیچ‌کس نمی‌تواند در اثری ادبی و هنری بدون موافقت پدیدآورنده آن تغییر دهد. مبنای این حق را باید وابستگی اثر به شخصیت پدیدآورنده دانست. در این خصوص تفاوتی میان تغییرات اندک و گسترده

1. Le droit au respect de l'œuvre

نیست (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۸۵). برابر بند ۱ ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن، پدیدآورنده حق مقابله با هرگونه تغییر شکل، حذف و تحریف یا تغییر دیگری در اثر یا هرگونه آسیب به اثر را دارد. این حق ناظر به مواردی است که موجب زیان به شهرت و حیثیت پدیدآورنده شود. بنابراین در صورتی که تغییرات به شهرت و حیثیت پدیدآورنده آسیبی وارد نکند، حق حرمت اثر مخدوش نشده است؛ درحالی که در حقوق فرانسه و ایران چنین شرطی مشاهده نمی‌شود. ماده L121-1 قانون مالکیت فکری فرانسه، حق پدیدآورنده در خصوص احترام به اثرش را پیش‌بینی کرده و آن را وابسته به شخصیت پدیدآورنده دانسته است. طبیعی است در خصوص نقل از اثر دیگری نیز رعایت حق حرمت اثر بایسته است. در این راستا برخی (Pollaud-Dulian, 2005, n° 633, p. 509) معتقدند که حق حرمت اثر مقتضی است که نقل صورت گرفته دقیق باشد و نباید مطلبی را برخلاف مقصود پدیدآورنده اثر اصلی القا نماید. به تعبیر برخی دیگر (Desbois, 1966, p. 282)، در مقام نقل از اثر دیگری باید به اندیشه پدیدآورنده اثری که از آن نقل صورت می‌گیرد، وفادار بود. بنابراین باید از هرگونه خطر اختلاط در ذهن مخاطب پرهیز گردد. در این راستا، نقل مطلب باید به گونه‌ای باشد که به‌روشنی متن نقل شده در متن جدید تمییز داده شود. در این خصوص توجه به یکی از آرای دادگاه پاریس مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۸۸ جالب توجه است. به‌موجب این رأی، نقل تغییرشکل‌یافته بخشی از یک شعر برای تأیید شعارهای یک حزب سیاسی، در روحی بیگانه نسبت به روح اثر و اندیشه‌های پدیدآورنده، نقض حق معنوی مربوط به شعر یادشده محسوب گردیده است (cf. Pollaud-Dulian, 2005, n° 633, p. 509).

از دیدگاه آزمون سه‌گام نیز به‌نظر می‌رسد، رعایت نکردن حق حرمت اثر، لطمه غیرمعقول به منافع معنوی پدیدآورنده است. در نتیجه در نقل از اثر دیگری، رعایت حق حرمت لازم است.^۱ ولی همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، لزوم رعایت حقوق معنوی از معیار استفاده منصفانه به‌راحتی قابل استنباط نیست.

در حقوق ایران به‌موجب ماده ۱۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای حمایت‌شده از سوی قانون بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع اعلام شده است. با توجه به مفهوم مخالف مقرر شده، امکان تغییر اثر با إذن پدیدآورنده وجود دارد، ولی بدیهی است تحریف با إذن پدیدآورنده مصداق ندارد.

۱. در تأیید این نظر، ر.ک. حبیبی و شاکری، ۱۳۹۲، ص ۲۲۰.

۳.۲. رعایت حق معنوی پدیدآورنده در خصوص افشای اثر

«حق افشای اثر» از حقوق معنوی پدیدآورنده اثر ادبی و هنری است. در حقوق ایران برای بیان این حق از تعبیری مانند «حق انتشار» (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۸۴)، «حق تصمیم‌گیری برای انتشار» (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۸؛ ر.ک. میرحسینی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰)، «حق انتشار یا عدم انتشار» (امامی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۹)، «حق اتخاذ تصمیم نسبت به انتشار یا عدم انتشار» (حمیتی واقف، ۱۳۹۰، ص ۲۹) و «حق افشای اثر» (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰) استفاده شده است. افشای اثر عبارت است از تصمیم به ارائه و در دسترس عموم قرار دادن آن (Colombet, 1976, p. 131). به موجب این حق، اصولاً شخص پدیدآورنده اختیار دارد در خصوص اینکه آیا اثرش شایستگی ارائه به عموم را دارد و اینکه آیا اثر پدیدآمده با اهداف و مطلوب او تناسب دارد یا خیر، تصمیم‌گیری نماید (cf. Pollaud-Dulian, 2005, p. 406).

حال با توجه به اینکه نقل از اثر دیگری به گونه‌ای افشای جزئی اثر را به دنبال دارد، این پرسش مطرح است که آیا نقل از اثر دیگری مشروط به افشای اثر است یا اینکه می‌توان از اثر افشانشده نیز بدون إذن پدیدآورنده نقل نمود؟ در پاسخ به این پرسش، رویکرد نظام‌های حقوقی متفاوت است. در برخی از نظام‌های حقوقی انتشار قانونی اثر شرط لازم برای نقل از اثر دیگری است. برای نمونه در بند الف ماده ۱۵ قانون حقوق ادبی و هنری هلند و بند ۱ ماده ۱۹ قانون راجع به حقوق ادبی و هنری و حقوق مجاور روسیه به این مسئله تصریح شده است (Xalabarder, 2009, p. 193-198). بر اساس بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون برن نیز اثر باید به صورت قانونی در دسترس عموم قرار گرفته باشد تا بتوان از آن نقل نمود. در جزء دال بند ۳ ماده ۵ دستورالعمل اتحادیه اروپا به تاریخ ۲۰۰۱م راجع به هماهنگی جنبه‌های حق مؤلف و حقوق مجاور در جامعه اطلاعاتی نیز مقرر شده است که حتماً اثر باید به صورت قانونی منتشر شده باشد (Kamina, 2002, p. 262). بنابراین بر اساس این رویکرد نه تنها انتشار پیشین اثر لازم است، بلکه این انتشار باید قانونی باشد.

در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی از لزوم انتشار اثر به نحو مطلق سخن گفته شده است؛ بدون اینکه وضعیت افشا از حیث قانونی یا غیرقانونی بودن مشخص باشد. جزء ب بند ۱ ماده ۳۳ قانون رومانی از این قبیل است (Xalabarder, 2009, p. 169-170). بند سه ماده ۵-۱۲۲۲ قانون مالکیت فکری فرانسه نیز در خصوص انتشار اثر به همین نحو عمل کرده و از قانونی بودن انتشار به صراحت سخن نگفته است. با این همه، تردیدی نیست که انتشار اثر باید به نحو قانونی باشد؛ زیرا همان گونه که برخی نویسندگان فرانسوی (Carre, 2004, p. 158) بیان داشته‌اند، از سویی قانون برای کلیه استثنای حقوق مادی، یک پیش شرط قرار داده است. پیش شرط یادشده عبارت است از اینکه فقط آثار افشاشده می‌تواند موضوع این استنها قرار گیرد. از

سوی دیگر، قانون به‌روشنی بیان می‌دارد که نمی‌توان پدیدآورنده را مجبور به افشای اثرش نمود. در واقع هیچ استثنایی نسبت به حق افشا وجود ندارد.

برخلاف دو رویکرد پیشین، در برخی نظام‌های حقوقی مانند حقوق آمریکا و انگلستان، افشای پیشین اثر به‌عنوان شرط لازم برای جواز نقل از اثر دیگری پیش‌بینی نشده و استفاده منصفانه^۱ از اثر مهم است. در بند ۱ ماده ۳۰ قانون کپی‌رایت، طرح‌ها و اختراعات انگلیس در مقام بیان نقل مجاز از اثر دیگری، به انتشار پیشین اثر یادشده تصریح نشده است. به همین ترتیب، بر اساس ماده ۱۰۷ قانون حقوق ادبی و هنری آمریکا نیز نقل از «اثر مورد حمایت» مجاز است و به انتشار پیشین اثر اشاره‌ای نشده است. البته به اعتقاد برخی در نظام حقوق عرفی، توجه به عنصر «ماهیت اثر» به‌عنوان یکی از عناصر استفاده منصفانه، موجب شده که استفاده از اثری که منتشر نشده است به‌هیچ‌وجه منصفانه نباشد یا چنین گفته شود که لاًقل استفاده از چنین اثری به احتمال زیاد منصفانه نخواهد بود (شاکری، ۱۳۹۴، ص ۲۱۳). ولی با توجه به تبصره الحاقی به ماده ۱۰۷ قانون حقوق ادبی و هنری آمریکا، در این نظام حقوقی، صرف افشا نشدن اثر مانع استفاده منصفانه نیست. به‌موجب این تبصره، «این امر که اثر انتشار نیافته است، به‌خودی‌خود مانع استفاده منصفانه از آن نمی‌شود، مشروط بر اینکه بر اساس تحقق تمامی عوامل مذکور صورت گرفته باشد» (ر.ک. ایمانی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۹).

گفتنی است از دیدگاه آزمون سه‌گام نمی‌توان به‌طور حتم لزوم افشای اثر را نتیجه گرفت و مسئله مرتبط با این موضوع است که آیا نقل از اثر افشاننده، منافع پدیدآورنده اثر را با آسیب غیرمعقول روبرو می‌سازد یا خیر؟ طبیعی است پاسخ به این پرسش از دید نظام‌های حقوقی مختلف می‌تواند متفاوت باشد. در این راستا حقوق فرانسه که به شخصیت پدیدآورنده اهمیت فراوان می‌دهد، شرط افشای اثر را پذیرفته است و معلوم می‌شود که از نظر این نظام حقوقی نقل از اثر افشاننده، آسیبی غیرمعقول به پدیدآورنده اثر وارد می‌کند.

در حقوق ایران، قانون‌گذار در ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، از لزوم انتشار اثر به‌عنوان شرط لازم برای نقل از اثر دیگری سخن گفته، ولی قید قانونی بودن انتشار تصریح نشده است. به‌موجب این ماده، «نقل از اثرهایی که انتشار یافته است... مجاز است». همین امر موجب شده است برخی حقوق‌دانان (حبیبی و شاکری، ۱۳۹۲، ص ۲۳۳) ماده یادشده را از منظر آزمون سه‌گام قابل نقد بدانند. به اعتقاد ایشان در این ماده به گام سوم از این آزمون توجه نشده است، چراکه از هر اثر منتشرشده می‌توان نقل نمود؛ حال آنکه ممکن است انتشار با اراده آزادانه پدیدآورنده صورت نگرفته باشد.

با این همه، به نظر می‌رسد، انتشار یادشده باید قانونی باشد؛ زیرا اطلاق عبارات قانون‌گذار منصرف به انتشار قانونی است. در واقع با توجه به اینکه قانون‌گذار در مقام بیان انتشار غیرقانونی نبوده است، نمی‌توان از اطلاق ماده یادشده در این خصوص استفاده کرد. در تأیید این نظر می‌توان به حکم تبصره ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ش نیز استناد نمود. به موجب این مقرر، «تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده، بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آن‌ها، بدون رضایت ورثه یا قائم‌مقام آنان، توقیف نمی‌شود». بدیهی است هدف از توقیف در مرحله اجرای حکم این است که با انتقال قضایی حقوق مالی موضوع توقیف، امکان اجرای حکم فراهم آید. پرواضح است که تحصیل عوائد مالی از تصنیفات، تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده، مستلزم افشای آن‌هاست. به نظر می‌رسد اینکه قانون‌گذار موارد یادشده را قابل توقیف ندانسته است، ریشه در شناسایی و حمایت از حق معنوی پدیدآورنده اثر مبنی بر تصمیم‌گیری در خصوص افشای اثر دارد. در حال در ماده ۲۵ لایحه حمایت از مالکیت فکری به این مسئله توجه شده و به قید قانونی بودن انتشار تصریح شده که از این نظر قابل تأیید است.

۳. محدوده و قلمرو نقل از اثر دیگری

برای تبیین محدوده و قلمرو نقل از اثر دیگری، از سویی باید میزان و کمیت مجاز نقل از اثر دیگری بررسی شود. از سوی دیگر باید دید که آیا نقل مجاز صرفاً ناظر به آثار ادبی و علمی است یا نقل از سایر آثار نیز مجاز است و آیا نقل مجاز محدود به شیوه خاصی است یا در این زمینه محدودیتی وجود ندارد.

۳.۱. قلمرو کمی نقل مجاز

در خصوص اینکه اشخاص تا چه میزان می‌توانند از اثری نقل نمایند، کنوانسیون برن به صراحت تعیین تکلیف نکرده است. در واقع، کنوانسیون برن در ماده ۹ برای تبیین استثناها، از معیار آزمون سه‌گام استفاده نموده و بر اساس این معیار، خاص بودن استثنا مهم است. ولی ضابطه روشنی برای تشخیص خاص بودن ارائه نکرده است و همان‌گونه که برخی از نویسندگان (حبیبی و شاکری، ۱۳۹۲، ص ۲۱۶-۲۱۵) به درستی بیان داشته‌اند، داوری در این خصوص با دادرسان خواهد بود. البته به موجب بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون برن، «نقل از آثاری که قبلاً به‌طور مجاز در دسترس عموم قرار گرفته، مجاز است به شرطی که نقل‌های مزبور با استفاده‌های متعارف و اهداف مورد نظر مطابقت داشته باشد...». قسمت انتهایی این بند، نقل از مقاله‌ها، روزنامه‌ها و نشریه‌های ادواری در قالب مطبوعات را به‌عنوان نمونه‌هایی از نقل مجاز ذکر کرده

است. این ماده در صدد تعیین دقیق کمیت نقل از اثر دیگری نبوده، بلکه سعی کرده است که با تعیین دو معیار «متعارف بودن نقل» و «قابلیت توجیه آن به وسیله هدف»، به ارائه راهکاری برای تشخیص قانونی بودن این نحوه استفاده از اثر کمک نماید.

هر دو معیار ارائه شده کلی هستند. معیار متناسب بودن نقل با هدف، ممکن است بر حسب مورد در خصوص میزان نقل، اقتضائات مختلف داشته باشد. در واقع ممکن است هدف از نقل در مواردی مقتضی نقل یک جمله و در مواردی تجویزکننده نقل چند پاراگراف باشد. حتی گاهی می‌توان از نقل یک اثر به صورت کامل سخن گفت. برای نمونه، فرضی که در آن، نویسنده به بیان شعری رباعی برای تبیین موضوع خود می‌پردازد، از این قبیل است. به علاوه در بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون هیچ محدودیتی برای هدف نقل از اثر دیگری پیش‌بینی نشده است. بنابراین نقل از اثر دیگری با هر هدفی ممکن است و تفاوت نمی‌کند که با اهداف آموزشی صورت گیرد یا با اهدافی همچون تبلیغات (شاکری، ۱۳۸۹، ص ۱۷۳-۱۷۲؛ حبیبی و شاکری، ۱۳۹۴، ص ۶۳-۶۲). معیار متعارف بودن نیز معیاری کلی بوده، همان اقتضائات معیار پیش‌گفته را دارد. محدودیت در کمیت نقل از اثر دیگری از معیار استفاده منصفانه نیز قابل استنباط است، ولی میزان دقیق کمیت مجاز بر اساس این معیار نیز مشخص و روشن نیست.

در خصوص قلمرو نقل از اثر دیگری، نظام‌های حقوقی داخلی یکسان عمل نکرده‌اند. برخی از نظام‌ها، معیار «کوتاه بودن» نقل از اثر دیگری را مطرح نموده‌اند. از آنجا که این معیار مبهم است، از آن انتقاد شده است. البته برخی از نظام‌ها که برای ضابطه «کوتاه بودن»، میزان دقیق مشخص کرده‌اند، از این انتقاد مصون هستند. برای مثال در یوگسلاوی نقل از اثر دیگری زمانی مجاز است که مجموع قسمت‌های نقل شده از یک چهارم اثر ارجاعی بیشتر نباشد (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲، پاورقی ۳). برخی دیگر از نظام‌ها به معیار هدف توجه نموده، نقل از اثر دیگری را تنها تا میزانی که به وسیله هدف توجیه شود، مجاز دانسته‌اند. کشورهای هلند، روسیه، اسپانیا، اتریش و فرانسه از جمله کشورهایی هستند که به این شیوه عمل کرده‌اند (Xalabarder, 2009, p. 155, 170, 193 & 198). در میان این نظام‌ها برخی مانند حقوق اتریش هیچ محدودیتی برای هدف پیش‌بینی نکرده‌اند؛ حال آنکه در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی به اهدافی که می‌توان به استناد آن اقدام به نقل از اثر دیگری نمود، به صورت جزئی تصریح شده است (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰).

در حقوق فرانسه نقل از اثر دیگری باید با هدف انتقادی، تفسیری، آموزشی، علمی یا اطلاعاتی توجیه شود. بنابراین، استفاده از تصویر یا کتابی با اهداف تبلیغاتی نقل مجاز نیست (کُرنو و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۹). به دیگر سخن، در حقوق فرانسه و نظام‌های مشابه، نقل از اثر دیگری صرفاً در راستای اهداف مصرح در قانون مجاز است. به همین دلیل برخی حقوق‌دانان

فرانسه (Gaubiac, 1997, p. 7 et 25 s.) هدف از نقل را عنصر مهم و تعیین کننده در مشروع بودن یا نبودن نقل دانسته، آن را محور مسئله آزادی نقل از اثر دیگری شمرده‌اند. بند سه ماده L122-5 قانون مالکیت فرانسه اهدافی را که نقل در راستای آن مجاز دانسته شده، برشمرده است. برخی حقوق دانان (Lucas, 2001, p. 284-285) در توجیه حصری بودن موارد یادشده اظهار می‌کنند که هرچند محدود بودن اهداف محل بحث است، در هر حال، محدود بودن اهداف یادشده لازمه جلوگیری از چپاول آثار دیگران است. به علاوه باید توجه داشت که در حقوق فرانسه بر اساس جزء الف بند سه ماده L122-5 قانون مالکیت فکری، افزون بر لزوم توجه به اهداف پیش گفته، استثنای نقل از اثر دیگری ناظر بر نقل‌های کوتاه است. به موجب این مقرر «نقل‌های کوتاه که دارای ویژگی انتقادی، جدلی، آموزشی، علمی یا اطلاعاتی در خصوص اثر باشد»، مجاز دانسته شده است. به همین دلیل به موجب رأی ۴ ژوئیه ۱۹۹۵ شعبه نخست مدنی دیوان عالی کشور فرانسه (Carre, 2004, p. 155-156)، عرضه و اجرای کامل یک اثر (فارغ از شکل و مدت آن) نمی‌تواند یک نقل کوتاه به‌شمار آید (v. Gaubiac, 1997, p. 11-17). همچنین در رویه قضایی فرانسه^۱، تکثیر تمام اثر حتی به صورت چکیده، به هیچ وجه نقل محسوب نمی‌شود. به همین ترتیب، تکثیر موقت اما کلی مجاز نیست (کُرنو و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۹).

به علاوه در رویه قضایی فرانسه تکثیر گزیده مهم از یک کتاب، نقل سیزده بیت از یک شعر ۳۵ بیتی و نقل پیش‌گفتار یک کتاب، به‌عنوان نقل کوتاه پذیرفته نشده است. جالب توجه است که در رویه قضایی فرانسه به این امر مهم نیز توجه شده است که مجموع نقل‌های کوتاه نیز نباید بیش از حد باشد. به‌طور مشخص، به موجب رأی، نقل ۳۴۳ فقره نقل کوتاه که در مجموع ۸۶ صفحه از کتاب ۳۲۰ صفحه‌ای را تشکیل می‌داده است، نقل مجاز نیست (Pollaud-Dulian, 2005, p. 510). گفتنی است به اعتقاد برخی (Gaubiac, 1997, p. 15)، نوع اثری که از آن نقل می‌شود، در ارزیابی کوتاه بودن نقل مؤثر است؛ به‌گونه‌ای که کمیت نقل در زمینه هنرهای گرافیک و موزیک باید بسیار کوتاه‌تر از میزان نقل در قلمرو آثار نوشتاری باشد.

برخی حقوق دانان فرانسه (Pollaud-Dulian, 2005, p. 510) در مقام ارائه ملاک برای ارزیابی کوتاه بودن نقل، توجه به دو نکته را لازم دانسته‌اند. به اعتقاد ایشان، از سویی باید به اندازه اثری که از آن نقل شده و اثری که در آن نقل صورت گرفته است و تناسب مطلب نقل شده با دو اثر پیش گفته توجه کرد و از سوی دیگر باید مراقب بود که اندیشه نادرستی به صاحب اثر اصلی نسبت داده نشود. در واقع مطلب نقل شده باید به نحوی باشد که در عین کوتاهی، محل به اندیشه مندرج در اثر اقتباس شده نباشد. البته به موجب جزء د بند سه ماده L122-5، «تکثیر

۱. برای نمونه، رأی زیر از شعبه نخست مدنی دیوان عالی کشور فرانسه قابل ذکر است (کُرنو و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۹):
Cass. civ. 1^{er}, 4 juillet 1992, Cass. civ. 1^{er}, 30 mai 2001 et Cass. civ. 1^{er}, 10 février 1998

کلی یا جزئی آثار هنری گرافیکی یا زیبایی‌شناختی (پلاستیک) به‌منظور درج در کاتالوگ‌های فروش قضایی که در فرانسه انجام می‌شود، با این هدف که نمونه‌هایی در راستای توصیف آثار مزبور قبل از فروش در دسترس عموم قرار داده شود، مجاز دانسته شده است. لیکن باید گفت استثنای اخیر با عنوانی مستقل از عنوان نقل از اثر دیگری، مطرح می‌شود.

گفتنی است آن‌گونه که برخی پژوهشگران (شاکری، ۱۳۹۴، ص ۲۱۴؛ حبیبی و شاکری، ۱۳۹۲، ص ۲۳۱) بیان داشته‌اند، در نظام حقوقی امریکا نیز که ضابطه استفاده منصفانه در تعیین قلمرو استنها تعیین‌کننده است، یکی از عناصر ضابطه یادشده، توجه به «میزان و ماهیت بخش استفاده‌شده در برابر کل اثر» است و البته در این راستا، کیفیت بخش استفاده‌شده اهمیت بیشتری از کمیت آن دارد؛ به‌نحوی که ممکن است نسخه‌برداری سیصد کلمه از دویست هزار کلمه تجاوز به حقوق پدیدآورنده به‌شمار آید.

در حقوق ایران، ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان به مسئله نقل از اثر دیگری پرداخته است. به‌موجب این ماده، «نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آن‌ها به مقاصد ادبی، علمی، فنی، آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است». این ماده از سویی، نقل از اثر دیگری را وابسته به رعایت اهدافی (مقاصد ادبی، علمی، فنی، آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ) نموده است. از سوی دیگر، نقل از اثر دیگری را «در حدود متعارف» مجاز دانسته است. بدیهی است تشخیص حدود متعارف وابسته به عرف بوده، زمان و مکان در آن نقش دارد. در این راستا برخی نویسندگان (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷) به‌درستی معتقدند، نقل از اثر دیگری نباید تکثیر اثر و تهدیدی برای حقوق مادی پدیدآورنده به‌شمار آید.

معیارهای ارائه‌شده در ماده پیش‌گفته معیارهای منعطفی است که میان مصالح پدیدآورنده اثر و نیازهای اجتماعی سازگاری ایجاد می‌نماید. زیرا از سویی با ملاک قرار دادن اهداف علمی، ادبی، فنی، آموزشی و تربیتی، به نیازهای مختلف اجتماعی توجه شده و از سوی دیگر با مقید نمودن میزان نقل به «حدود متعارف» تمهیدی برای جلوگیری از تعدی به حقوق مشروع پدیدآورنده اندیشیده شده است.^۱ ماده ۲۵ لایحه حمایت از مالکیت فکری نیز به همین ترتیب نقل از اثر دیگری را «برای مقاصد علمی، ادبی، هنری، آموزشی، پژوهشی، تربیتی و اطلاع‌رسانی و به صورت انتقاد و تقریظ ... در حدود متعارف» و با تأکید بر «میزانی که هدف مورد نظر را تأمین کند» مجاز دانسته است. البته به‌نظر می‌رسد قید «در حدود متعارف» نیز به‌گونه‌ای نقل را به «میزانی که هدف مورد نظر را تأمین کند»، دربر دارد.

۱. گفتنی است، برخی حقوق‌دانان (حبیبی و شاکری، ۱۳۹۲، ص ۲۳۳) حدود متعارف در ماده را مبهم شمرده و از این نظر ماده ۷ دارای شفافیت لازم برای تعیین قلمرو نقل مجاز و در نتیجه آن را مطابق با معیار سه‌گام ندانسته‌اند.

۳.۲. قلمرو نقل مجاز از حیث نوع اثر و شیوه نقل از آن

با توجه به تعدد و تنوع آثار ادبی و هنری از نظر شکلی، تقسیم‌بندی‌های مختلفی از این دسته آثار به عمل آمده است. در این راستا و با توجه به چگونگی ظهور و بروز خارجی اثر، می‌توان آثار یادشده را به چند دسته تقسیم کرد. در این میان آثار نوشتاری، آثار شنیداری و دیداری و آثار تجسمی از اقسام مهم آثار ادبی و هنری به‌شمار می‌آیند.

در قوانین برخی کشورها نقل از اثر دیگری صرفاً به آثار ادبی محدود شده، درمقابل، قانون‌گذار پاره‌ای از کشورها در این باره دیدگاه گسترده‌تری داشته، آن را شامل آثار هنری و موسیقی نیز قرار داده است (Sirinelli, 1999, p. 14). در میان نظام‌های حقوقی، برزیل از کشورهایی است که نقل از اثر دیگری را محدود به آثار ادبی نموده است (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳). از سوی دیگر، قوانین برخی کشورها به هیچ محدودیتی راجع به نوع اثری که می‌تواند نقل شود، تصریح نداشته‌اند. برای مثال ماده ۷۵ قانون حقوق ادبی و هنری و حقوق مجاور پرتغال، نقل از هر اثر با هر ماهیتی را مجاز دانسته است (Xalabarder, 2009, p.196). کشورهای چین، اندونزی، مالزی و تایلند نیز در این گروه از کشورها قرار می‌گیرند (Deere, 2009, p. 333).

با توجه به اینکه کنوانسیون برن در بند ۱ ماده ۱۰ خود آثاری را که می‌توان از آن نقل نمود، مفید به نوع خاصی نکرده است، برخی (شاکری، ۱۳۸۹، ص ۱۷۳) معتقدند که از نظر کنوانسیون محدودیتی در زمینه نوع آثار وجود ندارد. از دیدگاه گام‌های مختلف آزمون سه‌گام و عناصر متفاوت استفاده منصفانه نیز محدودیتی از نظر نوع اثر ملاحظه نمی‌شود.

در حقوق فرانسه، در جزء الف بند سه ماده ۵-۱۲۲ L122-5 قانون مالکیت فکری (که نقل‌های کوتاه دارای ویژگی انتقادی، جدلی، آموزشی، علمی یا اطلاعاتی را مجاز دانسته)، نقل از اثر محدود به نوع خاصی از آثار نشده است. باین‌همه، برخی نویسندگان فرانسوی در خصوص عمومیت مقررۀ یادشده تردیدهایی داشته‌اند. در این میان برخی دیگر (Pollaud-Dulian, 2005, p. 513-514) با ارجاع به یکی از آرای قضایی، معتقدند که نقل مجاز در ماده ۵-۱۲۲ L122-5 صرفاً ناظر بر آثار ادبی و علمی یعنی آثار نوشتاری است. به اعتقاد ایشان، شرایط مطرح‌شده در این مقررۀ به‌سختی در خصوص سایر آثار قابل تحقق است. برای نمونه، در فرضی که نقل از آثار موسیقی و هنرهای پلاستیک صورت می‌گیرد، تصور اهداف یادشده در بند سه ماده ۵-۱۲۲ L122-5 (اهداف انتقادی، جدلی، آموزشی، علمی یا اطلاعاتی) دشوار است. در برخی دیگر از آثار (آثار مستند شنیداری- دیداری که متضمن خلاصه‌ای از آثار شنیداری- دیداری دیگری هستند) نیز ذکر نام پدیدآورنده و عنوان اثر که یکی از شرایط نقل مجاز می‌باشد، عملی نیست. در مجموع به اعتقاد ایشان، با توجه به مشکل تطبیق شرایط نقل مجاز در خصوص آثاری غیر از آثار ادبی

و علمی و نیز با توجه به اینکه تمییز و تفکیک نقل مجاز از مورد تقلب جزئی نسبت به آثار دیگران دشوار است، باید قائل به محدود بودن قلمرو شمول بند سه ماده L122-5 گردید؛ به‌ویژه اینکه جواز نقل از اثر دیگری استثنایی بوده، باید به قدر متیقن آن بسنده نمود. در مقابل، بعضی دیگر (Lucas, 2001, p. 281-282) معتقدند که هرچند در خصوص برخی آثار تحقق شرایط نقل مجاز ممتنع است، ولی این مسئله درباره همه آثار که ادبی و علمی نیستند، صادق نیست و در مواردی تحقق شرایط پیش‌گفته ممکن است؛ به‌ویژه اینکه در سوابق قضایی نیز مشروعیت تکثیرهای تقریباً میکروسکوپی از سه مجسمه رُدن^۱ در اثر مربوط به تاریخ فرانسه پذیرفته شده است.^۲

در حقوق ایران به نوع اثری که می‌توان از آن نقل نمود، تصریح نشده است. بنابراین، ممکن است نقل از آثار هنری نیز همچون آثار ادبی مجاز دانسته شود. البته برخی (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۷۸) اگرچه احتمال نقل از سایر آثار را رد نکرده‌اند، ظاهر ماده ۷ را بیشتر شامل آثار نوشتاری می‌دانند. در تأیید این نظر می‌توان گفت، ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، نقل از اثر دیگری را مقید به رعایت شرایطی نموده که تحقق آن در خصوص نقل از همه آثار ممکن نبوده، بیشتر در خصوص نقل از آثار نوشتاری تحقق‌یافتنی است. توضیح اینکه نقل از آثار دیگر باید با هدف ادبی، علمی، فنی، آموزشی یا تربیتی و به صورت انتقاد یا تقریظ باشد. به‌علاوه ذکر مأخذ نیز ضروری است. طبیعی است، تحقق این شرایط در غیر آثار نوشتاری با دشواری‌هایی روبرو است. در عین حال در هر موردی که شرایط پیش‌گفته تحقق یابد، در خصوص نقل از اثر منعی وجود ندارد. البته در ماده ۲۵ لایحه حمایت از مالکیت فکری که نقل برای مقاصد هنری و اطلاع‌رسانی نیز تصریح و تجویز شده، تمایل به توسعه نقل مجاز از آثار، به آثار هنری قابل استنباط است؛ هرچند تصریح به این مسئله شایسته است.

نکته دیگر قابل توجه در خصوص نقل این است که شیوه نقل بسته به نوع اثر متفاوت است. در آثار ادبی نقل از اثر دیگری به دو صورت امکان‌پذیر است؛ انتخاب قطعه‌ای از اثر و بیان عین آن (نقل مستقیم) و یا بیان مفاد مطلب و قرار دادن آن در اثر ثانوی (نقل غیرمستقیم). در خصوص آثار موسیقی و هنری نیز همان‌گونه که برخی (گرباود، ۱۳۸۰، ص ۷۷-۷۶) بیان کرده‌اند، در حوزه موسیقی، نقل از اثر دیگری به شکل گنجانیدن یک یا چند عبارت از یک تصنیف موسیقی در اثری با ماهیت آموزشی یا انتقادی قابل تصور است؛ همچنان که در حوزه هنرهای

1. Rodin

۲. برای ملاحظه آرای قضایی فرانسه در خصوص نقل از آثار غیرادبی و علمی، ر.ک. Gaubiac, 1997, p. 47-53.

تجسمی^۱ نیز نقل می‌تواند به صورت تکثیر گرافیکی از اثر هنری با هدف توضیح یا ارائه نمونه نگارش یافته صورت گیرد. البته در این حالت باید تصویر تکثیرشده در ضمن اثر ثانوی به گونه‌ای گنجانده شود که نتوان آن را از اثر یادشده جدا کرد؛ بنابراین، شیوه نقل مختص به نوع خاصی نیست و بر حسب نوع نقل می‌تواند متفاوت باشد.

۴. نتیجه

استثنای نقل از اثر دیگری شرایطی دارد که در نظام‌های حقوقی مختلف در خصوص آن توافق وجود ندارد. جواز نقل از اثر دیگری در حقوق ایران و فرانسه، به رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده اثر اصلی وابسته است. در این راستا از سویی، نقل از اثر دیگری منوط به بیان مأخذ و نام پدیدآورنده است. این شرط ریشه در لزوم حمایت از حق معنوی ولایت پدیدآورنده بر اثر دارد. برخلاف حقوق فرانسه، قانون‌گذار ایران ذکر منبع و نام پدیدآورنده را در موارد نقل از اثر دیگران در جزوه‌هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی از سوی معلمان تهیه می‌شود، لازم ندانسته که این مسئله قابل انتقاد و نیازمند اصلاح است. به این امر مهم در لایحه حمایت از مالکیت فکری توجه شده است. از سوی دیگر، نقل از اثر دیگری به رعایت حق حرمت اثر وابسته است و نقل‌کننده نباید مطالب اثر اصلی را تحریف کند، بلکه باید به اندیشه پدیدآورنده آن وفادار باشد. به علاوه حمایت از حق پدیدآورنده در خصوص افشای اثر اقتضا می‌کند که پیش از افشای اثر، نقل از اثر ممکن نباشد. این امر در حقوق فرانسه تصریح شده است. در حقوق ایران نیز نقل از اثرهایی که انتشار یافته باشد، تجویز شده است. طبیعی است مقصود از انتشار نیز انتشار قانونی است. از منظر معیارهای بین‌المللی نیز باید گفت که از معیار استفاده منصفانه، لزوم رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده قابل استنباط نیست؛ هرچند برخی، نسخه‌برداری از اثری که افشانشده را منصفانه ندانسته‌اند. ولی گام سوم در آزمون سه‌گام (وارد نشدن آسیب غیرمعقول به منافع پدیدآورنده) می‌تواند مستندی برای لزوم رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده باشد؛ هرچند در دلالت آن بر لزوم رعایت حق افشا تردید وجود دارد.

دیدگاه نظام‌های حقوقی نسبت به نوع اثری که می‌توان از آن نقل نمود، یکسان نیست. در قوانین برخی کشورها نقل از اثر دیگری صرفاً به آثار ادبی محدود شده، ولی قانون‌گذار در پاره‌ای از کشورها آن را شامل آثار هنری و موسیقی نیز دانسته است. در حقوق ایران و فرانسه باوجود تصریح نکردن قانون‌گذار، شرایط نقل مجاز از اثر دیگری به‌طور معمول در خصوص

۱. آثار تجسمی عبارت از نقاشی، سفالگری، پیکرتراشی، صنایع دستی، معماری، تصویرسازی، خوشنویسی، عکاسی، گرافیک و طراحی صنعتی دانسته شده است (ر.ک. آیتی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۱-۱۰۰).

آثار ادبی و علمی تحقق‌یافتنی است. البته در لایحه حمایت از مالکیت فکری تمایل به تجویز نقل از آثار هنری نیز مشاهده می‌شود که پیشنهاد این است که قانون‌گذار در مقام تصویب لایحه، برای احتراز از هرگونه ابهام، با صراحت در این باره تعیین تکلیف نماید. در خصوص میزان مجاز نقل از اثر دیگری در نظام‌های حقوقی، از معیارهای متفاوتی چون «کوتاه بودن نقل» و تناسب آن با «هدف نقل» سخن به میان آمده است. در حقوق فرانسه فقط نقل‌های کوتاه و با هدف انتقادی، تفسیری، آموزشی، علمی یا اطلاعاتی، مجاز دانسته شده است. در حقوق ایران، نقل از اثرهای انتشاریافته با اهداف ادبی، علمی، فنی، آموزشی و تربیتی و در حدود متعارف مجاز دانسته شده که ترکیبی از معیارهای متفاوت است و به‌نحو شایسته‌ای میان مصالح عمومی و مصالح شخصی پدیدآورنده سازگاری ایجاد کرده است. از منظر معیارهای بین‌المللی نیز می‌توان گفت، هرچند گام اول از گام‌های آزمون سه‌گام (خاص بودن استثنا) دلالت بر محدودیت کمیت نقل از اثر دیگری دارد، ولی ضابطه دقیق‌تری در این خصوص ارائه نمی‌دهد. همین وضعیت درباره معیار استفاده منصفانه و بر اساس عنصر سوم آن (میزان و ماهیت بخش استفاده‌شده نسبت به کل اثر) قابل استنباط است. به‌علاوه گفتنی است که از دو معیار پیش‌گفته محدودیتی در خصوص نوع اثری که از آن نقل می‌شود، قابل استنباط نیست.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. امامی، اسدالله (۱۳۸۶). مالکیت معنوی. جلد ۱، تهران، چاپ اول.
۲. ایمانی، عباس (۱۳۸۲). «استثنای مهم حق مؤلف، استفاده منصفانه از اثر دیگری». مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳، ص ۲۱۲-۱۹۳.
۳. آیتی، حمید (۱۳۷۵). حقوق آفرینش‌های فکری با تأکید بر حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری. تهران، نشر حقوقدان، چاپ اول.
۴. حبیبیا، سعید و شاکری، زهرا (۱۳۹۱). «مبحثی در محدودیت‌ها و استثنائات حقوق مالکیت ادبی و هنری». مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳، شماره ۱، ص ۳۷-۵۴.
۵. حبیبیا، سعید و شاکری، زهرا (۱۳۹۲). «سه‌گام؛ آزمونی فراروی مصرف‌کنندگان آثار ادبی و هنری». مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۱، ص ۲۰۹-۲۴۸.
۶. حبیبیا، سعید و شاکری، زهرا (۱۳۹۴). منافع عمومی و حقوق مالکیت ادبی و هنری. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۷. شاکری، زهرا (۱۳۹۴). «استفاده منصفانه از آثار ادبی و هنری؛ حقی برای جامعه؟». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۲، ص ۲۰۷-۲۲۳.
۸. حمیتی واقف، احمدعلی (۱۳۹۰). مالکیت معنوی. تهران، انتشارات جاودانه-جنگل، چاپ اول.
۹. زرکلام، ستار (۱۳۸۴). قانون مالکیت فکری فرانسه و آلمان (آثار ادبی و هنری). تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی موزه و انتشارات، چاپ اول.
۱۰. زرکلام، ستار (۱۳۸۷). حقوق مالکیت ادبی و هنری. تهران، سمت، چاپ اول.
۱۱. زرکلام، ستار (۱۳۸۹). «نقایص و خلأهای موجود در قوانین فعلی مرتبط با حقوق مالکیت ادبی و هنری ایران». مجموعه مقالات همایش مالکیت ادبی-هنری و حقوق مرتبط، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.

۱۲. شاکری، زهرا (۱۳۸۹). «تعدیل قلمرو حقوق مالکیت ادبی و هنری در نظام حقوق کنونی». مجموعه مقالات همایش مالکیت ادبی-هنری و حقوق مرتبط، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
۱۳. شبیری، سید حسن و همکاران (۱۳۸۹). پیش‌نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط. تهران، شورای عالی اطلاع‌رسانی، چاپ اول.
۱۴. صفایی، سید حسین (۱۳۸۶). حقوق مدنی و حقوق تطبیقی. تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
۱۵. صفایی، سید حسین، صادقی، محسن و محسنی، حسن (۱۳۸۵). «مطالعه تطبیقی حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و دارندگان حقوق مرتبط». فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۳، ص ۹۵-۷۹.
۱۶. گرنو، ماری، دولامبرتوری، ایزابل، سنلی، پیر، والر، کاترین (۱۳۹۰). فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی رایت، با ترجمه علیرضا محمد زاده وادقانی و پژمان محمدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، چاپ اول.
۱۷. کلمبه، کلود (۱۳۸۵). اصول بنیادین حقوق مؤلف و مجاور در جهان. با ترجمه و توضیح علیرضا محمدزاده وادقانی، تهران، میزان، چاپ اول.
۱۸. گریباید (۱۳۸۰). الفبای حقوق پدیدآورنده (کپی رایت). با ترجمه غلامرضا لایقی، تهران، خانه کتاب، چاپ اول.
- لایحه حمایت از مالکیت فکری مصوب ۱۳۹۳/۷/۲ هیئت وزیران جمهوری اسلامی ایران.
۱۹. محسنی، سعید و قبولی درافشان، سید محمد مهدی (۱۳۹۴). حقوق ادبی و هنری (با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه و مصر). مشهد، مؤسسه انتشاراتی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.
۲۰. محمدزاده وادقانی، علیرضا (۱۳۸۸). «ترجمه متن معاهده برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۱)». فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳، ص ۳۹۳-۳۷۱.
۲۱. میرحسینی، سید حسن (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر مالکیت معنوی. تهران، نشر میزان، چاپ اول.

ب) خارجی

22. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works.
23. Carre, Stéphanie (2004), "Exceptions: Courte Citation, Représentation Accessoire" in Les grands arrêts de la propriété intellectuelle, Paris, Dalloz, p. 155-167.
24. Code de la propriété intellectuelle.
25. Colombet, Claude (1976), propriété littéraire et artistique, Paris, Dalloz.
26. Copyright act of the United States.
27. Copyright, Designs and Patents Act 1988.
28. Courant Rife, Martine (2007), "The fair use doctrine: History, application, and implications for (new media) writing teachers", Computers and Composition 24, 154-178.
29. Deere, Carolyn (2009), The Implementation Game : the trips agreement, developing countries and the global politics of intellectual property, New York, United States, oxford university press, first publish.
30. Desbois, Henri (1966), Le droit d'auteur en France, Paris, Dalloz, 2 éd.
31. Directive 2001/29/CE du Parlement européen et du Conseil du 22 mai 2001 sur l'harmonisation de certains aspects du droit d'auteur et des droits voisins dans la société de l'information.
32. Gaubiac, Yves (1997), La liberté de citer une oeuvre de l'esprit, Revue Internationale du Droit d'Auteur (RIDA), No 171, p. 3-77.
33. Graner, Bryan A. (1999). blacks law dictionary. 7 rd, united states of America, west group.
34. Kamina, Pascal (2002), Film Copyright in the European Union, Cambridge University Press, First published.
35. Knights, Roger (2001), Limitation And Exceptions Under The "Three-Step Test" And In National Legislation – Differences Between The Analog And Digital Enviroments, WIPO/CR/MOW/01/2.
36. Lucas, A. et H.-J. (2001), traité littéraire et artistique, Litec, 2e éd.
37. McKeown, John S. (2010), Canadian Intellectual Property Law and Strategy, New York, Oxford University Press.
38. Pollaud-Dulian, Frédéric (2005), Le droit d'auteur, Paris, Economica.
39. Sirinelli, Pierre (1999), Exception and Limits to Copyright and Neighboring Right, WCT-WPT/IMP/1, Geneva.
40. Xalabarder, Raquel (2009), Study on Copyright Limitations and Exceptions for Educational Activities in North America, Europe, Caucasus, Central Asia and Israel, SCCR/19/8, Geneva, p.193-198.